****

[تتمه و تکمیل قسم اول: ترک وقوف عرفات و مشعر با هم 1](#_Toc488850099)

[تفصیل محقق خویی نسبت به واجب بودن یا نبودن حجی که در آن ترک وقوفین شده 1](#_Toc488850100)

[مناقشه 1](#_Toc488850101)

[نظر مختار: احتیاط در اتیان حج قابل ولو در فرض حج ندبی 7](#_Toc488850102)

**موضوع**: احکام وقوف /وقوف در مشعر /واجبات حج

**خلاصه مباحث گذشته:**

متن خلاصه ...

## تتمه و تکمیل قسم اول: ترک وقوف عرفات و مشعر با هم

### تفصیل محقق خویی نسبت به واجب بودن یا نبودن حجی که در آن ترک وقوفین شده

در رابطه با قسم اول که وقوف عرفات و مشعر تماما از شخص فوت شده، محقق خوئی فرمود اگر بر او حج واجب باشد، این حج مجزی نیست، اما اگر بر او واجب نباشد، لازم نیست سال بعد حج بجا آورد و مثل این می ماند که امسال اصلا به حج نیامده باشد.

#### مناقشه

ما گفتیم در برخی روایات گفته شده بر این شخص حج من قابل واجب است و اطلاق دارد و در صحیحه ضریس تفصیل داده و فرموده اگر امسال که از او وقوفین فوت شده، هنگام احرام اشتراط کرده بود که ان عرض لی عارض یحبسنی فحلنی حیث حبستنی بقدرک التی قدرت علیه اللهم ان لم تکن حجة فعمرة، حج من قابل بر او واجب نیست، و گرنه بر او حج من قابل واجب است: مَا رَوَاهُ مُوسَى بْنُ الْقَاسِمِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ رِئَابٍ عَنْ ضُرَيْسِ بْنِ أَعْيَنَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ ع عَنْ رَجُلٍ خَرَجَ مُتَمَتِّعاً بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ فَلَمْ يَبْلُغْ مَكَّةَ إِلَّا يَوْمَ النَّحْرِ فَقَالَ يُقِيمُ عَلَى إِحْرَامِهِ وَ يَقْطَعُ التَّلْبِيَةَ حِينَ يَدْخُلُ مَكَّةَ وَ يَطُوفُ وَ يَسْعَى بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ وَ يَحْلِقُ رَأْسَهُ وَ يَنْصَرِفُ إِلَى أَهْلِهِ إِنْ شَاءَ وَ قَالَ هَذَا لِمَنِ اشْتَرَطَ عَلَى رَبِّهِ عِنْدَ إِحْرَامِهِ فَإِنْ لَمْ يَكُنِ اشْتَرَطَ فَإِنَّ عَلَيْهِ الْحَجَّ مِنْ قَابِلٍ.[[1]](#footnote-1)

در روایت داوود کثیر رقی که در کلمات محقق خوئی از آن به صحیحه تعبیر شده که ظاهرا سهو القلم است، مطلب به نحو دیگری بیان شده است: وَ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ دَاوُدَ بْنِ كَثِيرٍ الرَّقِّيِّ قَالَ: كُنْتُ مَعَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع بِمِنًى إِذْ دَخَلَ عَلَيْهِ رَجُلٌ- فَقَالَ قَدِمَ الْيَوْمَ قَوْمٌ قَدْ فَاتَهُمُ الْحَجُّ- فَقَالَ نَسْأَلُ اللَّهَ الْعَافِيَةَ- قَالَ أَرَى عَلَيْهِمْ أَنْ يُهَرِيقَ كُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمْ دَمَ شَاةٍ- وَ يَحِلُّونَ وَ عَلَيْهِمُ الْحَجُّ مِنْ قَابِلٍ- إِنِ انْصَرَفُوا إِلَى بِلَادِهِمْ- وَ إِنْ أَقَامُوا حَتَّى تَمْضِيَ أَيَّامُ التَّشْرِيقِ بِمَكَّةَ- ثُمَّ خَرَجُوا إِلَى‌ بَعْضِ مَوَاقِيتِ أَهْلِ مَكَّةَ- فَأَحْرَمُوا مِنْهُ وَ اعْتَمَرُوا فَلَيْسَ عَلَيْهِمُ الْحَجُّ مِنْ قَابِلٍ.[[2]](#footnote-2)

روایت فرموده اگر به وطنشان برگردند، سال آینده باید حج بجا آورند، اما اگر صبر کنند تا ایام تشریق بگذرد و به یکی از مواقیت اهل مکه بروند و محرم شوند و عمره ثانیه بجا آورند، حج من قابل لازم نیست.

یعنی اتیان دو عمره، سبب سقوط حج من قابل می شود، اما در صحیحه ضریس، اشتراط را سبب سقوط حج من قابل بیان کرد.

ایشان فرموده ظاهر جمله «علیه الحج من قابل» که در روایات متعددی ذکر شده، عدم اجزاء حج انجام شده از حج واجب است، یعنی اگر حج واجب را قبلا انجام داده که فبها و اگر مستطیع نیست نیز فبها، و گرنه این حج مجزی نیست و باید سال بعد حج بجا آورد، اصل این تفسیر در کلمات شیخ طوسی نیز دیده می شود.

صحیحه معاویة بن عمار: مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُوسَى بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ صَفْوَانَ‌ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مَنْ أَدْرَكَ جَمْعاً فَقَدْ أَدْرَكَ الْحَجَّ- قَالَ وَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع أَيُّمَا حَاجٍّ سَائِقٍ لِلْهَدْيِ- أَوْ مُفْرِدٍ لِلْحَجِّ أَوْ مُتَمَتِّعٍ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ- قَدِمَ وَ قَدْ فَاتَهُ الْحَجُّ فَلْيَجْعَلْهَا عُمْرَةً- وَ عَلَيْهِ الْحَجُّ مِنْ قَابِلٍ.[[3]](#footnote-3)

صحیحه دوم معاوی بن عمار: وَ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع رَجُلٌ جَاءَ حَاجّاً- فَفَاتَهُ الْحَجُّ وَ لَمْ يَكُنْ طَافَ- قَالَ يُقِيمُ مَعَ النَّاسِ حَرَاماً أَيَّامَ التَّشْرِيقِ- وَ لَا عُمْرَةَ فِيهَا فَإِذَا انْقَضَتْ طَافَ بِالْبَيْتِ- وَ سَعَى بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ وَ أَحَلَّ- وَ عَلَيْهِ الْحَجُّ مِنْ قَابِلٍ يُحْرِمُ مِنْ حَيْثُ أَحْرَمَ.[[4]](#footnote-4)

صحیحه حریز: وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيزٍ قَالَ: سُئِلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع عَنْ مُفْرِدِ الْحَجِّ- فَاتَهُ الْمَوْقِفَانِ جَمِيعاً فَقَالَ لَهُ- إِلَى طُلُوعِ الشَّمْسِ مِنْ يَوْمِ النَّحْرِ فَإِنْ طَلَعَتِ الشَّمْسُ يَوْمَ النَّحْرِ- فَلَيْسَ لَهُ حَجٌّ وَ يَجْعَلُهَا عُمْرَةً- وَ عَلَيْهِ الْحَجُّ مِنْ قَابِلٍ قُلْتُ كَيْفَ يَصْنَعُ- قَالَ يَطُوفُ بِالْبَيْتِ وَ بِالصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ- فَإِنْ شَاءَ أَقَامَ بِمَكَّةَ- وَ إِنْ شَاءَ أَقَامَ بِمِنًى مَعَ النَّاسِ- وَ إِنْ شَاءَ ذَهَبَ حَيْثُ شَاءَ لَيْسَ هُوَ مِنَ النَّاسِ فِي شَيْ‌ءٍ.[[5]](#footnote-5)

صحیحه حلبی: مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُوسَى بْنِ الْقَاسِمِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنِ الرَّجُلِ يَأْتِي بَعْدَ مَا- يُفِيضُ النَّاسُ مِنْ عَرَفَاتٍ- فَقَالَ إِنْ كَانَ فِي مَهْلٍ- حَتَّى يَأْتِيَ عَرَفَاتٍ مِنْ لَيْلَتِهِ فَيَقِفَ بِهَا- ثُمَّ يُفِيضَ فَيُدْرِكَ النَّاسَ فِي الْمَشْعَرِ قَبْلَ أَنْ يُفِيضُوا- فَلَا يَتِمُّ حَجُّهُ حَتَّى يَأْتِيَ عَرَفَاتٍ- وَ إِنْ قَدِمَ رَجُلٌ وَ قَدْ فَاتَتْهُ عَرَفَاتٌ- فَلْيَقِفْ بِالْمَشْعَرِ الْحَرَامِ- فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَعْذَرُ لِعَبْدِهِ- فَقَدْ تَمَّ حَجُّهُ إِذَا أَدْرَكَ الْمَشْعَرَ الْحَرَامَ- قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَ قَبْلَ أَنْ يُفِيضَ النَّاسُ- فَإِنْ لَمْ يُدْرِكِ الْمَشْعَرَ الْحَرَامَ- فَقَدْ فَاتَهُ الْحَجُّ فَلْيَجْعَلْهَا عُمْرَةً مُفْرَدَةً- وَ عَلَيْهِ الْحَجُّ مِنْ قَابِلٍ.[[6]](#footnote-6)

بعد ایشان فرموده: ما از صحیحه ضریس و داوود کثیر رقی، استفاده دو استثناء می کنیم، یعنی حج بلاوقوف مجزی از حج واجب نیست، مگر در دو فرض، یکی این که اشتراط کرده باشد و دیگر این که صبر کند و بعد ایام تشریق، عمره دیگری انجام دهد، هر یک از این دو سبب می شود که حج ناقصِ مبدل به عمره مفرده، مجزی از حج واجب باشد.

ولی ایشان فرموده علامه حلی در تذکره فرموده اشتراط بر خدا سبب سقوط حج واجب نیست و لانعلم فیه خلافا: الاشتراط لا يفيد سقوط فرض الحجّ في القابل لو فاته الحجّ، و لا نعلم فيه خلافا.[[7]](#footnote-7)

و اکابری همچون صاحب حدائق نسبت به این اجماع منقول تسلیم شده اند و لولا الاجماع می گفتیم اشتراط، سبب اجزاء حج ناقص از حج کامل می شود.

مرحوم شیخ طوسی در تهذیب و در نهایة مطالبی دارد که نتیجه آن موافق با برداشت محقق خوئی از عبارت علیه الحج من قابل است.

اولا: روایت داوود کثیر رقی صحیحه نیست، زیرا نجاشی وی را تضعیف کرده و خود ایشان هم در معجم الرجال فرموده تضعیف نجاشی با توثیق شیخ در رجال و شیخ مفید در ارشاد تعارض می کند و لذا سندش مجهول می شود.

روایاتی که بر وثاقت وی دلالت دارد نیز ضعیف است.

ثانیا: دلالت روایت داوود کثیر رقی بر این که دو عمره انجام دهد، واضح نیست، بلکه شاید مقصود از جمله «أَرَى عَلَيْهِمْ أَنْ يُهَرِيقَ كُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمْ دَمَ شَاةٍ» این باشد که باید احکام مصدود را بار کند و نفرموده یطوف و یسعی و در مقابل آن فرموده فَأَحْرَمُوا مِنْهُ وَ اعْتَمَرُوا.

مگر گفته شود کسی قائل نشده که احکام مصدود بر من فاته الوقوفان بار شود و لذا باید بگوییم مقصود از ذبح، ذبح در عمره مفرده است.

ثالثا: علیه الحج من قابل در مورد من فاته الوقوفان، محتمل معنای دیگری نیز می باشد، خصوصا به قرینه صحیحه ضریس، شاید معنایش این باشد که برای جبر فوت حج، باید حج من قابل انجام گیرد، ولو اصل حج در امسال مستحب بوده باشد، این روایات اطلاق دارد و وجهی ندارد که آن را بر حج واجب حمل کنیم و تفسیر جمله علیه الحج من قابل به این که مجزی از حج واجب نیست، تقیید بلا وجه است.

بر فرض هم که احتمال صحت تفسیر محقق خوئی و عدم اطلاق روایات برود، ولی باز حمل صحیحه ضریس بر این که در صورت اشتراط، حج من فاته الوقوقان، مجزی از حج واجب است، خلاف ظاهر است.

محقق داماد در کتاب الحج ج3 ص 88 نیز همین گونه معنا کرده و فرموده جبر فوت وقوفین، اتیان به حج من قابل است، نه این که کنایه از عدم اجزاء از حجة الاسلام باشد.

ولی ایشان مطلب دیگری هم فرموده که ما آن را قبول نداریم، ایشان فرموده اگر شخص مستطیع باشد، باید سال آینده حج من قابل برود و سال سوم بعد از آن نیز حجة الاسلام را انجام دهد، زیرا اصل، عدم تداخل است، ولی به نظر ما وجوب حج من قابل، طبیعتی است که بر حجة الاسلام نیز صدق می کند، شارع فرموده باید حج دیگری انجام دهی، ولو در ضمن حجة الاسلام انجام شود.

علاوه بر این که اصل عدم تداخل را - مگر در احکام عقوبتی - قبول نداریم، در این جا نیز حج من قابل از باب جبر نقص است و نه عقوبت.

مگر به قول مرحوم داماد ادعاء کنیم که مشهور اعراض کرده اند و در حج مستحب نگفته اند علیه الحج من قابل، البته علامه در تذکره عبارتی دارد که ادعاء اعراض را تضعیف می کند: و لو كان الحجّ تطوّعا، سقط عنه الحجّ من قابل.[[8]](#footnote-8)

ظاهر عبارت مزبور این است که اشتراط در حج مستحب، سبب سقوط حج من قابل می شود، اما اگر اشتراط نشود و حج تطوعی باشد، ظاهرش این است که حج من قابل ساقط نمی شود.

ان قلت: احتمال ارتکاز متشرعی متصل به خطاب می رود که حج من قابل در حج مستحب، واجب نبوده باشد.

قلت: اگر این احتمال عقلائیا برود، دیگر حکم به وجوب حج من قابل در حج استحبابی نمی شود، ولی چنین نیست، زیرا فوت وقوفین عام البلوی نبوده که چنین ارتکازی حاصل شود.

### نظر مختار: احتیاط در اتیان حج قابل ولو در فرض حج ندبی

البته فتوا نمی دهیم، اما جای احتیاط به لزوم حج من قابل ولو در حج مستحب وجود دارد.

1. [الاستبصار فيما اختلف من الأخبار؛ ج‌2؛ 308؛ 211 باب ما يجب على من فاته الحج ؛ ج‌2، ص : 306](http://lib.eshia.ir/11002/2/308) [↑](#footnote-ref-1)
2. [وسائل الشيعة؛ ج‌14؛ 50؛ 27 باب أحكام من فاته الحج ؛ ج 14، ص : 48](http://lib.eshia.ir/11025/14/50) [↑](#footnote-ref-2)
3. [وسائل الشيعة؛ ج‌14؛ 49؛ 27 باب أحكام من فاته الحج ؛ ج 14، ص : 48](http://lib.eshia.ir/11025/14/49) [↑](#footnote-ref-3)
4. [وسائل الشيعة؛ ج‌14؛ 50؛ 27 باب أحكام من فاته الحج ؛ ج 14، ص : 48](http://lib.eshia.ir/11025/14/50) [↑](#footnote-ref-4)
5. [وسائل الشيعة؛ ج‌14؛ 50؛ 27 باب أحكام من فاته الحج ؛ ج 14، ص : 48](http://lib.eshia.ir/11025/14/50) [↑](#footnote-ref-5)
6. [وسائل الشيعة؛ ج‌14؛ 36؛ 22 باب أن من فاته الوقوف بعرفات وجب عليه إتيانها و الوقوف بها ليلا فإن خاف أن يفوته اختياري المشعر اجتزأ به و لم يرجع ؛ ج 14، ص : 35](http://lib.eshia.ir/11025/14/36) [↑](#footnote-ref-6)
7. [تذكرة الفقهاء (ط - الحديثة)؛ ج‌7؛ 260؛ مسألة 197: يستحب لمن أراد الإحرام أن يشترط على ربه ؛ ج 7، ص : 258](http://lib.eshia.ir/27152/7/260) [↑](#footnote-ref-7)
8. [تذكرة الفقهاء (ط - الحديثة)؛ ج‌7؛ 260؛ مسألة 197: يستحب لمن أراد الإحرام أن يشترط على ربه ؛ ج 7، ص : 258](http://lib.eshia.ir/27152/7/260) [↑](#footnote-ref-8)